

تحلیلی بر آثار اقتصادی موقوفات پیامبر اکرم ﷺ و امیر مؤمنان علی ﷺ در حجاز

Hoseinmohammadi31@yahoo.com

حسین عبدالمحمدی / دانشیار گروه تاریخ اهل بیت ﷺ جامعه المصطفی العالمیه

کثیرا حسینی / دکتری تاریخ اهل بیت ﷺ جامعه المصطفی العالمیه

dsmh1397@gmail.com

id orcid.org/0000-0002-1822-2774



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵ - پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

چکیده

در آموزه‌های دینی به توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی توجه ویژه‌ای صورت گرفته و در اسلام برای رسیدن به آن هدف مهم، دستوراتی تشریح شده است. وقف، به‌عنوان یکی از راهکارها در این زمینه، در تمام ادیان الهی به‌اجمال مطرح بوده؛ اما اسلام به کارکرد اجتماعی و اقتصادی آن عنایت ویژه‌ای داشته است. سیره اهل بیت ﷺ نیز که به‌گونه‌ای تحقق عینی تعالیم اسلام است، این مهم را نشان می‌دهد. تا قبل از دوران امام محمدباقر ﷺ مفهوم صدقات به‌جای مفهوم وقف رایج بوده و پس از دوران آن حضرت است که مفهوم وقف در منابع فقهی و روایی شیعه به‌کار رفته است. این پژوهش با بازخوانی گونه‌های موقوفات پیامبر اکرم ﷺ و امیر مؤمنان علی ﷺ در منطقه حجاز و با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به تجزیه و تحلیل آثار اقتصادی آنها پرداخته است. این بازخوانی نشان می‌دهد که موقوفات پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ که شامل گونه‌های مختلفی بوده، آثار اقتصادی فراوان به‌همراه داشته است که اموری چون حمایت مالی از نیازمندان، فقرزدایی، تحقق نسبی عدالت اقتصادی، ایجاد اشتغال، ترغیب مسلمانان به امور خیر و صدقات جاریه، از جمله آنهاست.

کلیدواژه‌ها: موقوفات، عدالت اجتماعی، موقوفات حجاز، آثار اقتصادی موقوفات حجاز، موقوفات پیامبر ﷺ، موقوفات امام علی ﷺ.

وقف به عنوان سنت حسنه و صدقه جاریه، در بینش اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است و به دلیل اهمیت و کارکردهایی که دارد، در گفتار و رفتار اهل بیت علیهم السلام، به ویژه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علی علیه السلام، به آن توجه ویژه‌ای شده است. پژوهشگران معاصر نیز آثاری را در این باره به رشته تحریر درآورده‌اند که آثار زیر از جمله آنهاست:

۱. **نگاهی به وقف و آثار اقتصادی - اجتماعی آن**^۱، در این کتاب به احکام و ابعاد فقهی وقف، تاریخچه وقف در اسلام، پیشینه وقف در ایران، پیشینه وقف در دیگر ملل، و آثار اقتصادی - اجتماعی وقف پرداخته شده است.

۲. **منابع مالی اهل بیت علیهم السلام**^۲، این کتاب مشتمل بر چهار بخش است: بخش اول، مباحث مقدماتی؛ بخش دوم، هدایا و کمک‌های مالی اهل بیت علیهم السلام؛ بخش سوم، اموال خصوصی؛ و بخش چهارم، اموال عمومی بیت‌المال. همان‌طور که از عنوان بحث پیداست، این کتاب درباره منابع مالی اهل بیت علیهم السلام است و بر موقوفات به‌تنهایی تمرکز ندارد؛ فقط در بخش سوم مقداری درباره موقوفات اهل بیت علیهم السلام بحث شده است.

۳. **الاقواف النبویه و اوقاف خلفاء الراشدين**^۳، این کتاب شامل چهار بخش است: بخش اول، الاوقاف النبویه؛ بخش دوم، الاوقاف العمریه؛ بخش سوم، الاوقاف العثمانیه؛ و بخش چهارم، الاوقاف العلویه. این کتاب اطلاعات خوبی را درباره موقوفات پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام جمع‌آوری کرده و مقداری هم درباره موقوفات حضرت زهرا علیها السلام بحث نموده است. این کتاب، چنان‌که از نامش پیداست، اصولاً درصدد تبیین موقوفات بقیه اهل بیت علیهم السلام نیست؛ لذا از این جهت ناقص است.

۴. **وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی**^۴، این کتاب مشتمل بر سه بخش و هر بخش شامل چند فصل است: بخش اول، کلیات؛ بخش دوم، اهمیت و جایگاه وقف؛ و بخش سوم، وقف در فقه اسلامی. این کتاب نیز به‌طور مطلق درباره موقوفات بحث کرده و بیشتر به بررسی احکام فقهی پرداخته است.

۵. **بررسی تاریخی موقوفات و صدقات امام علی علیه السلام در حجاز از آغاز تا پایان دوران غیبت صغرا**^۵، این

۱. مصطفی سلیمی فر، نگاهی به وقف و آثار اقتصادی - اجتماعی آن.

۲. نورالله علی دوست، منابع مالی اهل بیت علیهم السلام.

۳. عبدالله حجیلی، الاوقاف النبویه و اوقاف خلفاء الراشدين.

۴. حسن حائری، وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی.

۵. زمان حیدر موسوی، بررسی تاریخی موقوفات و صدقات امام علی علیه السلام در حجاز از آغاز تا پایان دوران غیبت صغرا.

اثر مشتمل بر چهار فصل است: بخش اول، کلیات؛ بخش دوم، موقوفات امام علی ﷺ در ینبع؛ بخش سوم، موقوفات امام علی ﷺ در وادی القری؛ و بخش چهارم، موقوفات امام علی ﷺ در مدینه.

۶. *اوقاف امیرالمؤمنین ﷺ*^۱ این پژوهش به بررسی موقوفات امیرمؤمنان علی ﷺ پرداخته است.

۷. «وقف در سیره معصومان ﷺ»^۲.

۸. «بررسی و توضیح جایگاه موقوفات امام علی ﷺ»^۳.

۹. «سبک زندگی ائمه ﷺ در امور معیشتی و بازتاب آن در زندگی اجتماعی شیعیان»^۴.

۱۰. «سیره اقتصادی و معیشتی پیامبر اعظم ﷺ»^۵.

۱۱. «بازشناسی تاریخ آغاز پرداخت و دریافت خمس؛ بررسی انتقادی دیدگاه بازتاب یافته در کتاب "مکتب در فرایند تکامل"»^۶.

۱۲. «خمس در اراضی مفتوح عنوة»^۷.

۱۳. «تحلیلی بر احکام حکومتی رسول خدا ﷺ در حوزه اقتصاد کشاورزی»^۸.

۱۴. «صنعت و کشاورزی در طول تاریخ اسلام»^۹.

تحقیقات یادشده - که به دلیل ضیق مجال، بررسی و نقد تمامی آنها میسر نبود - هرچند در جای خود پژوهش های مفیدی هستند، با رویکردهای متفاوتی به مسئله وقف پرداخته اند یا به صورت مطلق درباره آن بحث نکرده اند یا توجه خود را تنها به برخی از وقف نامه ها مبدول داشته اند. این پژوهش درصدد است تا موقوفات پیامبر اکرم ﷺ و امیرمؤمنان علی ﷺ را همراه با تحلیل کارکردهای اقتصادی آن با تکیه بر منابع، واکاوی کند. این قلم با بررسی پیشینه این مسئله، به اثری که به طور مشخص به این مسئله پرداخته باشد، برنخورده است؛ از این جهت، این نوشتار به نوبه خود پژوهش جدیدی به حساب می آید. هدف این پژوهش، بازخوانی و معرفی بخشی از سیره پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ در ساحت اقتصادی است که در عصر حاضر با توجه به شرایط جوامع اسلامی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

۱. نوروزعلی حاجی آبادی، اوقاف امیرالمؤمنین ﷺ.

۲. حافظ نجفی، «وقف در سیره معصومان».

۳. اصغر منتظرالقائم، «بررسی و توضیح جایگاه موقوفات امام علی ﷺ».

۴. محسن الوبیری و سیدمحمد مهدی موسوی نیا، «سبک زندگی ائمه در امور معیشتی و بازتاب آن در زندگی اجتماعی شیعیان».

۵. محمدرضا جباری، «سیره اقتصادی و معیشتی پیامبر اعظم ﷺ».

۶. جواد سلیمانی امیری، «بازشناسی تاریخ آغاز پرداخت و دریافت خمس؛ بررسی انتقادی دیدگاه بازتاب یافته در کتاب مکتب در فرایند تکامل».

۷. حسین حقانی، «خمس در اراضی مفتوح عنوة».

۸. سیدعلی حسینی، «تحلیلی بر احکام حکومتی رسول خدا ﷺ در حوزه اقتصاد کشاورزی».

۹. یعقوب جعفری، «صنعت و کشاورزی در طول تاریخ اسلام».

۱. مفهوم‌شناسی وقف

۱-۱. وقف در لغت

وقف در لغت به معانی متعدد آمده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: ایستادن، آرام گرفتن، توقف کردن، درنگ کردن، آگاه کردن^۱ و بازنگهداشتن^۲. در *لسان‌العرب* این واژه چنین توضیح داده شده است: وقوف، ضد جلوس است؛ هرگاه کسی در مکانی بایستد، می‌گویند: «وقف»؛ و جمع آن «وقوف» است و به‌صورت متعدی نیز به‌کار می‌رود؛ می‌گوییم: «وبقال: وَقَفَتِ الدَّابَّةُ تَقِفُ وَقُوفًا وَ وَقَفْتُهَا أَنَا وَقَفًا؛ وَ وَقَفَ الدَّابَّةُ: جَعَلَهَا تَقِفُ»^۳.

۱-۲. وقف در اصطلاح

وقف در اصطلاح فقهی عبارت است از: حبس کردن عین مال و در اختیار قرار دادن منافع آن به گونه‌ی رایگان برای افراد موردنظر واقف^۴.

براساس گزارش‌های تاریخی، پس از فتح خیبر و تقسیم غنایم، پیامبر ﷺ به عمر (حک. ۱۳-۲۳ق) درباره‌ی مالی که به او رسیده بود، فرمود: «اصل مال را حبس کن و منافع آن را آزاد بگذار»^۵. در منابع فقهی و حدیثی شیعه نیز مشابه همین تعبیر به‌کار رفته است.^۶

۱-۳. تفاوت وقف و صدقه

چپستی ارتباط میان وقف و صدقه از مسائلی است که اشاره به آن در بحث پیش‌رو ضرورت دارد. اجمالاً مطلب این است که با نگاهی به آیات و روایات روشن می‌شود که در لسان‌اهلبیت علیهم‌السلام اغلب از وقف به صدقه تعبیر شده است.^۷ هرچند واژه وقف در قرآن و سنت نبوی به‌کار نرفته، اما کلمات دیگری به‌کار رفته است که مقصود را می‌رساند؛ مانند اینکه در قرآن کریم واژه صدقه در برخی موارد به‌معنای وقف استعمال شده؛ اما در سنت اهل‌بیت علیهم‌السلام، تا زمان امام محمدباقر علیه‌السلام به‌جای وقف واژه «تحبیس» به‌کار رفته است. از زمان امام محمدباقر علیه‌السلام به بعد، این اصطلاح به‌طور رسمی در روایات رایج شده است.^۸ از همین روست که

۱. احمدبن ابن‌قارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۶ ص ۱۲۵.

۲. خلیل‌بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۵ ص ۲۲۳.

۳. محمدبن مکرم ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج ۹ ص ۳۵۹.

۴. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۸، ص ۳.

۵. «حبس الاصل و سبب التمرة» (احمدبن علی نسائی، جوامع حدیثی اهل سنت، ج ۴، ص ۹۴).

۶. «حَبْسِ الْأَصْلِ وَ أَطْلِقِ الثَّمَرَةَ» (ابن‌ابی‌جمهور احسانی، عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۲۵). همچنین برخی فقیهان نوشته‌اند: «الوقف تحبیس الأصل و تسبیل المنفعة» (محمدبن حسن طوسی، الميسوط فی فقه الامامیه، ج ۳، ص ۲۸۶).

۷. محمدحسن حائری یزدی، وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی، ص ۳۰.

۸. حسین‌بن محمدتقی نوری، مستدرک الو سائل و مستنبط المسائل، ج ۱۹، ص ۱۱۷.

بزرگانی مانند شهید اول (ش. ۷۸۶ق) در کتاب *الدروس الشریعه فی فقه الامامیه* با تمسک به قرآن کریم و پیروی از حدیث نبوی ﷺ، مراد از کلمه «صدقه جاریه» در احادیث را وقف دانسته‌اند.^۱ سلاربن عبدالعزیز (م. ۴۶۳ق) نیز وقف و صدقه را یک چیز دانسته و وقف را به صدقه تعریف کرده است.^۲ شیخ مفید (م. ۴۱۳ق) هم وقوف را در اصل، صدقات می‌داند و متفرع بر آن، رجوع در آنها را جایز نمی‌داند.^۳ یکی از نویسندگان معاصر می‌نویسد: صدقه جاریه آن عملی است که با انتفاع و بهره‌برداری از آن، عین آن از بین نمی‌رود که می‌شود خود همان وقف؛ یعنی صدقه مرادف وقف به کار رفته است.^۴

۲. جایگاه وقف در سیره پیامبر اکرم ﷺ و امیرمؤمنان علی ﷺ

وقف نزد پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ جایگاه ویژه‌ای داشته است: رسول خدا ﷺ درباره اهمیت وقف پس از مرگ انسان، آن را صدقه جاریه و در ردیف علم نافع و فرزند صالح دانسته‌اند؛^۵ امیرمؤمنان ﷺ نیز وقف را جزء صدقه جاریه بعد از مرگ انسان برشمرده‌اند.^۶ در روایتی دیگر، آن حضرت از صدقه و وقف به‌عنوان ذخیره روز قیامت یاد کرده و مؤمنان را به آن سفارش کرده‌اند.^۷ درباره وقف و اهمیت آن، احادیث زیادی وجود دارد که به‌دلیل اختصار، از ذکر آنها صرف‌نظر می‌شود.

در اینجا مهم‌ترین موقوفات رسول خدا ﷺ و امیرمؤمنان علی ﷺ مرور خواهد شد:

۲-۱. موقوفات پیامبر اکرم ﷺ

این دسته از اموال و املاک رسول خدا ﷺ شامل موارد زیر بوده است:

۱. حوائط هفت‌گانه: مخیریقی (ش. ۳ق) فردی ثروتمند از عالمان و اخبار بزرگ یهودی بود که مسلمان شد و در جنگ احد به شهادت رسید. او پیش از شهادت، در وصیتی تمام اموال خود را، از جمله املاکی که متشکل از هفت نخلستان بود و به «حوائط هفت‌گانه» شهرت داشت، به رسول خدا ﷺ بخشید. پیامبر اکرم ﷺ تا سال هفتم هجری از این املاک نیازهای خود و خانواده‌اش را تأمین می‌کرد و پس از آن تمامی آنها را وقف کرد.^۸

۱. رک: شهید اول، *الدروس الشریعه فی فقه الامامیه*.

۲. سیدمحمدجواد حسینی عاملی، *مفتاح الکرامه*، ج ۲، ص ۱۸۴.

۳. «والوقوف فی الأصل صدقات لا يجوز الرجوع فیها» (محمدبن محمدبن نعمان مفید، *المقننه*، ص ۶۵۲).

۴. عبدالله حجیلی، *الاقواق التوبیه و اوقاف خلفاء الراشدین*، ص ۱۶.

۵. «إذ مات المؤمن انقطع عمله إلا من ثلاث صدقة جاریة أو علم ینفع به أو ولد صالح یدعو له» (ابن‌جمهور احسانی، *عوالی اللئالی*، ج ۲، ص ۵۳).

۶. «لأ ینبع أحدًا من الناس بعد الموت شیء إلا صدقة جاریة أو علم صواب أو دعاء و لد» (حسن‌بن محمدتقی نوری، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ۱۴، ص ۴۵).

۷. همان.

۸. علی‌بن احمد سمهودی، *وفاء الوفاء*، ج ۳، ص ۱۵۲؛ احمدبن علی ابن‌حجر عسقلانی، *الاصابة فی تمییز الصحابة*، ج ۶، ص ۴۶.

۲. زمینی از اموال بنی‌نضیر: از آنجاکه اموال و املاک بنی‌نضیر بدون جنگ و درگیری به‌دست آمده بود، طبق آیات قرآن^۱ تمامی آنها به‌عنوان «فیء» جزء اموال اختصاصی رسول خدا ﷺ گردید. اموال آنها میان مهاجران، که گرفتار فقر شدید بودند، تقسیم شد و زمین‌هایش در اختیار رسول خدا ﷺ قرار گرفت.^۲
۳. سه حصن (قلعه) از هشت حصن خیبر: خیبر در ۱۶۵ کیلومتری شمال مدینه به‌سمت شام واقع است که در زمان رسول خدا ﷺ از مهم‌ترین قبایل یهودی به‌شمار می‌آمد و دارای قلعه‌ها و حصارهای محکم و متعدد بود و در سال هفتم هجری به‌دست مسلمانان افتاد. برخی از این قلعه‌ها با نام‌های «کتیبه»، «وطیح» و «سالام» بدون جنگ فتح شدند و از این جهت به‌عنوان «فیء»، خالصه رسول خدا ﷺ گردیدند.^۳ رسول خدا ﷺ این سه حصن را وقف قرار داد و پنج حصن دیگر را میان مجاهدان توزیع کرد.^۴
۴. نخلستان بویره در قبا: این نخلستان در نزدیک مدینه واقع بود و از اموال شخصی رسول خدا ﷺ به‌شمار می‌آمد که توسط آن حضرت به فقرا وقف شد.^۵ مشهور آن است که اولین ملک وقفی رسول خدا ﷺ در مدینه، همین اموال بوده است.^۶
۵. فدک: سرزمینی است که بدون جنگ فتح شد و خالصه رسول خدا ﷺ گردید.^۷ پیامبر اکرم ﷺ این زمین را به دخترش حضرت فاطمه رضی الله عنها بخشید.^۸
۶. ثلث أرض وادی‌القری: این منطقه از اراضی یهود بود که در اختیار رسول خدا ﷺ قرار گرفت و آن بزرگوار آن را از صدقات خویش قرار داد.^۹
۷. موضعی در بازار (سوق) مدینه: این منطقه که «مهزور» خوانده می‌شد، از جمله موقوفات پیامبر اکرم ﷺ بود^{۱۰} که عثمان در دوران حاکمیت خود آن را به مروان اهدا کرد و با انتقاد شدید مردم مواجه شد.^{۱۱}
۸. مسجد النبی: رسول خدا ﷺ زمین آن را از دو کودک یتیم خرید و آن را تا روز قیامت وقف مسلمانان کرد.^۱

۱. رک: حشر: ۶-۸

۲. رک: محمد ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۵۷؛ عبدالملک ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۳، ص ۱۹۹-۲۰۰؛ محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۷۹؛ احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۹؛ علی بن ابی‌الکرم ابن اثیر، الکامل فی التاريخ، ج ۲، ص ۱۲۲؛ اسماعیل بن عمر ابن کثیر دمشقی، البداية و النهاية، ج ۴، ص ۷۵.

۳. عبدالملک ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۳، ص ۲۰۱ و ۲۲۵؛ محمد ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۱۰۷-۱۰۸؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۳۸۲؛ محمد بن حسین فراء، الاحکام السلطانية، ص ۲۰۱.

۴. رک: محمد بن حسین فراء، الاحکام السلطانية، ص ۱۹۹.

۵. علی بن ابی‌الکرم ابن اثیر، اسدالغابه، ج ۳، ص ۴۰۷.

۶. اسماعیل بن عمر ابن کثیر دمشقی، البداية و النهاية، ج ۴، ص ۳۷؛ علی بن ابراهیم حلی شافعی، السيرة الحلیية، ج ۴، ص ۱۰.

۷. محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۶، ص ۱۰۲-۱۰۳.

۸. محمد بن علی صدوق، عیون اخبار الرضا رضی الله عنه، ج ۱، ص ۳۳۳.

۹. مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۳۸۲.

۱۰. محمد ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۴۴۲؛ عبدالحمید بن هبئالله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۲، ص ۲۱۷.

۱۱. محمد بن حسین فراء، الاحکام السلطانية، ص ۲۰۱؛ عبدالله جلیلی، الاوقاف النبوية و اوقاف خلفاء الراشدين، ص ۳۹۵.

۲-۲. موقوفات امیرمؤمنان علیؑ

بیشتر موقوفات امام علیؑ، در حجاز انجام شده که مهم‌ترین آنها موارد ذیل است:

۱. چشمه‌ها و مزارع ینبع: در هفت منزلی (۱۶۵ کیلومتری) غرب مدینه، مکان وسیعی به نام «ینبع» قرار دارد که میان مکه و مدینه و در ساحل دریای سرخ واقع شده است. وجه نام‌گذاری این منطقه به «ینبع»، چشمه‌ها و آب‌های فراوانی است که در آنجا وجود دارد.^۲ در حال حاضر، این نقطهٔ جغرافیایی بندری است بزرگ که در فاصلهٔ نه منزلی مدینه به سمت مکه قرار دارد. شهرت این مکان به داشتن آب زیرزمینی فراوان و مناسب برای کشاورزی و درخت کاری و نیز داشتن زمین مناسب برای زراعت و باغداری بوده است. به گفتهٔ ابن شهر آشوب، تعداد چاه‌های که علیؑ در ینبع حفر کرده بود، بالغ بر صد حلقه بوده است.^۳ از امام صادقؑ نیز نقل شده است که امام علیؑ قریب به صد حلقه چاه در ینبع پدید آورده بود.^۴ گفته شده است: زمانی که امام علیؑ مشغول حفر چاهی بود، آب همانند گردن شتر از آن جوشید و به همین دلیل امامؑ نام «ینبع» را بر آن نهاد.^۵

مهم‌ترین چشمه‌ها و چاه‌های موقوفهٔ امیرمؤمنان علیؑ در ینبع عبارت‌اند از:

- البُعْبُعَات: این چشمه خود مشتمل بر چندین چشمهٔ دیگر بود، به نام‌های خِيف الأَرَاك، خِيف لَيْلى و خِيف بَسْطَاس؛^۷
- عین ابی‌نیزر؛^۸
- عین البحیر؛
- عین نولا؛^۹
- عین الحدث.^{۱۰}

۱. ر.ک: عبدالله حبیبی، الاوقاف النبویه و اوقاف خلفاء الراشدین، ص ۴۵.

۲. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۵۱ ج ۴، ص ۱۲۷ و ۱۰۳.

۳. محمدین علی ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۱۲۲.

۴. همان، ج ۳، ص ۲۳.

۵. محمدین یعقوب کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۵۴ محمدین علی ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۱۲۲.

۶. ابوزید ابن شیه نمیری، تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۲۲۲.

۷. علی بن عبدالله سمهودی، وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۳۰.

۸. همان.

۹. ابوزید ابن شیه نمیری، تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۲۲۱.

۱۰. همان، ۲۲۳.

۲. چشمه‌ها و آبادی‌هایی در وادی القری: وادی القری منطقه‌ای است گسترده و پهناور از توابع مدینه که بین مدینه و شام قرار دارد. در بزرگی، همانند مکه، مدینه و یمامه است و روستاها و آبادی‌های زیادی دارد. علت اینکه به آن «وادی القری» می‌گویند، این است که از ابتدا تا انتهای آن وادی، همهٔ قریه‌ها به‌هم پیوسته‌اند. دربارهٔ این سرزمین باید دانست که رسول اکرم ﷺ آنجا را در سال هفتم فتح کرده^۱ و امیرمؤمنان علی ﷺ در زمان پیامبر اکرم ﷺ مالک برخی چشمه‌ها و مزرعه‌های این وادی بوده است.^۲ امام علی ﷺ در وادی القری موقوفات و صدقات فراوانی داشت که شامل چشمه‌ها، صحراها، وادی‌ها و نخلستان‌ها می‌شد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

- عین الموات؛
- عین الناقه؛
- وادی ترعه؛
- عین موات؛
- عین سکر؛
- عین البیره؛
- عین البیضاء؛
- عین العصبیه.^۳

۳. مزرعه‌ای در نزدیکی مدینه: این مزرعه در مکانی به‌نام «سویقه» قرار داشت که امام علی ﷺ آنجا را آباد نمود و برای فقرا وقف کرد. محمدبن صالح بن عبدالله در زمان متوکل (حک. ۲۳۲-۲۴۷ق) متکفل سامان‌دهی آنجا بود. پس از قیام او برضد متوکل، دستور تخریب آنجا صادر شد. در پی آن، خانه‌ها ویران گشت و به‌جای آنها درخت خرما کاشته شد؛ اما هیچ‌گاه آبادی گذشته را به‌دست نیاورد.^۴

۴. مساجد: امیرمؤمنان علی ﷺ مساجد بسیاری را آباد و وقف کرد که برخی از آنها از این قرارند: مسجد فتح در مدینه به‌یاد پیروزی بر عمروبن عبدود؛ مسجدی در برابر قبر حمزه ﷺ؛ مسجدی در میقات؛ مسجدی در کوفه؛ مسجد جامع بصره و عبادان (که ظاهراً همان آبادان است).^۵

۵. خانه‌ها: یکی از موقوفات امام علی ﷺ خانه‌های آن حضرت است که در مکان‌های گوناگون و برای افراد مختلف وقف کرده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۳۸.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۴۹.

۳. ابوزید ابن‌شبه نمیری، تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۲۲۰-۲۲۳.

۴. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۸۶.

۵. محمدبن علی ابن‌شهرآشوب، المناقب، ج ۲، ص ۱۲۳.

۱. خانه امام در نزدیکی بقیع القریه^۱؛

۲. خانه امام علی ﷺ در کوچه بنی زریق: امام این خانه را برای خاله‌هایش وقف کرده بود.^۲

اگرچه امام علی ﷺ در مکان‌ها و زمان‌های دیگر نیز کار فراوان انجام داده و منابع مالی دیگری نیز داشته است، اما بن‌مایه اصلی منابع مالی ایشان، کار و تلاش در مزارع بود که پس از احیای کامل، همه را وقف کرده است.

۳. مهم‌ترین آثار اقتصادی موقوفات پیامبر اکرم ﷺ و امیرمؤمنان علی ﷺ

موقوفات پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ در منطقه حجاز آثار فراوانی داشته‌اند که یکی از مهم‌ترین آنها آثار اقتصادی است. با توجه به اینکه اهل بیت ﷺ، به‌ویژه شخص پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ، کامل‌ترین الگو برای دستگیری از نیازمندان و امدادسانی به جامعه به‌شمار می‌رفتند، در کنار کمک‌های مادی زودگذر، برخی برنامه‌های حمایتی اقتصادی مستمر را برای افراد نیازمند و نیز حل مشکلات اقتصادی جامعه مدنظر داشتند که مسئله وقف از جمله آنها به‌شمار می‌رود. در ادامه به برخی از آثار اقتصادی این موقوفات اشاره می‌شود:

۳-۱. حمایت اقتصادی از نیازمندان

وضعیت اقتصادی مسلمانان در صدر اسلام در مکه و مدینه مناسب نبود. این امر دلایل فراوان داشت که تحریم اقتصادی قریش در مکه، مهاجرت مسلمانان از مکه به مدینه و شهادت شمار فراوانی از مسلمانان در جنگ‌ها، از جمله آنهاست. با هجرت پیامبر ﷺ از مکه به مدینه، مسلمانان تمامی اموال خویش را رها کردند و در جنگ‌ها نیز شمار زیادی از مسلمانان به درجه شهادت نائل شدند که با شهادت آنان خانواده‌هایشان بی‌سرپرست می‌شدند. این رخدادهای در رشد فقر در جامعه نوپای اسلامی و تنگدستی مسلمانان به‌گونه‌ای عام و برای رهبری چنین جامعه‌ای به‌گونه خاص تأثیرگذار بود. به همین دلیل، رسول خدا ﷺ اقداماتی همانند پیمان اخوت، ایجاد مکانی به‌نام صفا برای سکونت نیازمندان، و مسئله وقف برای رفع این مشکل، انجام داد. مهم‌ترین هدف رسول خدا ﷺ و دیگر اهل بیت ﷺ از موقوفات، حمایت از نیازمندان بود که موارد زیر را دربرمی‌گرفت:

۳-۱-۱. خویشاوندان نیازمند

همان‌طور که یادآوری شد، اولین واقف در اسلام رسول خدا ﷺ بود. در سال سوم هجرت شخصی به‌نام مخیربیق هفت باغ به پیامبر اکرم ﷺ بخشید^۳ و آن حضرت در سال هفتم تمام آنها را وقف کرد.^۴ توضیح

۱. ابن‌عبدالله سمهودی، وفاه الوفاء، ج ۲، ص ۹۲.

۲. محمدبن علی صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۶، ص ۱۱۴.

۳. محمدبن حسین فراه، الاحکام السلطانیة، ص ۱۹۹.

۴. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۴۸.

مطلب اینکه مخیربیک یکی از اخبار یهود بنی نضیر بود که اسلام آورد و در روز احد کشته شد و بستان‌های هفت‌گانه خویش را به پیامبر ﷺ وصیت و واگذار نمود و پیامبر ﷺ نیز در سال هفتم هجری این بستان‌ها را وقف خاص حضرت زهرا علیها السلام کرد؛ حضرت صدیقه طاهره علیها السلام این هفت بستان را وقف بنی‌هاشم و بنی‌عبدالمطلب فرمود و نظارت و سرپرستی آنها را به عهده امام علی علیه السلام نهاد.^۱ اگرچه این موقوفات وقف خاص، یعنی وقف بر اولاد بود، ولی هستند کسانی که این اموال را وقف بر عموم مسلمانان دانسته‌اند. برای نمونه، در کتاب *الطبقات* چنین آمده است: «واقدی از محمد بن بشرین حمید از پدرش نقل می‌کند که می‌گفته است: از عمر بن عبدالعزیز به هنگامی که خلیفه بود، در خصصره شنیدم که می‌گفت: در مدینه و در حضور مردم از پیرمردان مهاجران و انصار شنیدم که می‌گفتند: نخلستان‌های هفت‌گانه رسول خدا که وقف بر مسلمانان است، از اموال مخیربیک بوده است.»^۲

اما آنچه ابن‌سعد (م. ۲۳۰ق) و عالمان شیعه - از جمله کلینی - تأیید می‌کند، این است که این اموال به حضرت زهرا علیها السلام وقف شد.^۳ در تحلیل این که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این باغ‌ها را به دخترش وقف کرد، می‌توان گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌دانست که پس از خودش وصی، دختر و ذریه او در تنگنای معیشت اقتصادی قرار می‌گیرند و آنها را از فدک و خمس محروم می‌کنند، اما در مال موقوفه نمی‌توانند تصرف کنند؛ به همین دلیل، این مسئله امکان‌پذیر است. بنابراین، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای حفظ آبروی وصی و جانشین خویش و رفاه نسبی دختر و فرزندان این باغ‌ها را به دخترش وقف کرد و فدک را نیز به دخترش بخشید.^۴ با بررسی تاریخ و تأمل در آن، اثر اقتصادی این موقوفه بر کسی پوشیده نمی‌ماند. هفت بستان با بهترین میوه و خرما در آن شرایط که بیشتر مردم مدینه و بنی‌هاشم در حال فقر و تنگدستی بودند، می‌توانست بزرگ‌ترین حمایت اقتصادی برای اهل بیت علیهم السلام و بنی‌هاشم و مسلمانان باشد؛ به‌ویژه اینکه تا مدت زمان طولانی به شکل موقوفه باقی بوده است.

محمد بن کعب قرظی می‌گوید: پس از این وقف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مسلمانان برخی از اموال خود را بر اولاد و نوادگان خود وقف کردند،^۵ که از باب نمونه می‌توان از امام علی علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و بقیه اهل بیت علیهم السلام و برخی از صحابه و تابعین، مانند عبدالله عمر (م. ۷۳ق) و زبیر بن ثابت (م. ۴۵ق) یاد کرد.^۶ همان‌گونه که بیان شد، از امام علی علیه السلام موقوفات زیادی به ثبت رسیده است؛ ولی در راستای این اثر و کارکرد، یعنی حمایت اقتصادی از خویشاوندان، می‌توان از

۱. همان؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۸۵.

۲. محمد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۳۸۹.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۴۸.

۴. محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۶، ص ۱۰۲-۱۰۳.

۵. محمد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۳۸۹.

۶. محمد بن عبید کبیری، احکام الوقف فی الشریعة الاسلامیه، ج ۱، ص ۳۷.

وقف خانه‌های آن حضرت به خاله‌هایش نام برد. از امام صادق ع نقل شده است که امیرمؤمنان ع خانه‌ای در محله بنی‌زریق داشتند و بدین صورت آن را وقف کردند:

به‌نام خدای بخشاینده مهربان. این است آنچه علی بن ابی‌طالب آن را درحالی که زنده و کامل بود، صدقه کرد. وقف نمود خانه خود را که در بنی‌زریق قرار دارد، صدقه‌ای که فروخته نمی‌شود و هبه نمی‌گردد تا خدایی که وارث آسمان و زمین است، آن را وارث شود؛ و در این خانه، خاله‌های خود را سکونت داد، مادامی که خود یا اولادشان زنده هستند و وقتی مرگ آنها فرارسید، برای محتاجان از مسلمانان باشد.^۱

۲-۳. مسلمانان نیازمند

موقوفات عام فراوان از پیامبر ص و امام علی ع باقی مانده است. برخی گفته‌اند: در قبا (نزدیک مدینه) نخلستانی بود به‌نام «بوبره» که از اموال شخصی پیامبر ص محسوب می‌شد و ایشان آن را وقف بر فقیران و بینوایان کردند.^۲ نمونه‌ای دیگر آنکه هنگام فتح بنی‌نضیر، رسول خدا ص اموال، زمین‌ها، باغ‌ها و خانه‌های آنان را میان مسلمانان تقسیم کرد و به حضرت علی ع دستور داد تا سهم رسول خدا ص را تحویل گیرد و وقف کند. همچنین پیامبر ص مهزور را که مکانی در بازار مدینه بوده است، برای مسلمانان وقف کرد. حتی در زمان شیخین نیز با این مکان به‌عنوان موقوفه رفتار می‌شد؛ اما عثمان (م. ۳۵ق) این مکان را به برادرانش بخشید.^۳ طبق گفته منابع تاریخی، تعدادی از موقوفات رسول خدا ص تا کنون مکانش مشخص است و همچنان برای استفاده مساکین و فقراست.^۴

در همین راستا، امام علی ع نیز موقوفات عام فراوانی داشته است. از امام صادق ع روایت شده است: هنگامی که رسول خدا ص زمینی را که از انفال بود، بین مسلمانان تقسیم کرد، زمینی به‌نام «ینیع» به علی ع رسید. حضرت در آنجا چاهی حفر کرد که پس از مدتی آبی به‌پهنای گلوی شتر از آن فوران کرد. فردی مژده جوشیدن آب را به امام داد. حضرت فرمود: «بشارتش را به آنانی دهید که بعدها از آن استفاده خواهند کرد! این صدقه جاریه‌ای است برای حاجیان خانه خدا و مسافران آن مسیر. این زمین به‌هیچ‌وجه قابل فروش و بخشش نیست و به ارث نخواهد رسید. نفرین خدا و فرشتگان و مردم بر هر فردی باد که آن را بفروشد یا به دیگری ببخشد».^۵ برخی نیز گفته‌اند: ینیع قلعه‌ای است که در آن، آب روان و مزرعه بسیار وجود داشته است و مردم از فضای پردرخت و نخلستان‌ها و آب‌های گوارای آن استفاده می‌کردند. اکنون بندر بزرگی است و نه منزل از مدینه به‌طرف مکه فاصله دارد. این منطقه به دارا بودن آب زیرزمینی بسیار و کیفیت خوب برای زراعت و درخت‌کاری و داشتن زمین مناسب برای

۱. محمدبن علی صدوق، من لایحضره النقیه، ج ۶ ص ۱۱۴.

۲. علی بن ابی‌الکرم ابن‌اثیر، اسدالغابه، ج ۳ ص ۴۰۷.

۳. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵ ص ۲۳۴.

۴. علی بن عبدالله سمهودی، وفاه الوفاء، ج ۳ ص ۱۵۴.

۵. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۷ ص ۵۴.

کشت و کار و باغداری معروف بوده است. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که جدم علی علیه السلام قریب به یک صد چاه و چشمه به دست خود حفر کرد و همه را در راه خدا انفاق نمود.^۱

درباره تسلط امام علی علیه السلام به ینبع، گزارش های متفاوت وجود دارد. ابن شُبّه می گوید: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله ینبع را گرفتند، آن را به کُسدبن مالک جُهَنی اقطاع نمودند. کُسد گفت: یا رسول الله! من در حال پیری هستم. آن را به برادرزاده ام به اقطاع دهید. پیامبر صلی الله علیه و آله به اقطاع به او دادند. پس از آن، عبدالرحمن بن سعد بن زرارۀ انصاری آن را به سی هزار درهم از او خرید و به آنجا رفت؛ ولی وی در آنجا با بادهای شدید و سختی های فراوان مواجه شد و قصد ترک آن را کرد. به هنگام بازگشت، در نزدیکی ینبع با علی بن ابی طالب علیه السلام مواجه شد. امام از او پرسید: از کجا می آیی؟ جواب داد: از ینبع می آیم و از آن بیزار شده ام. امام سؤال کردند: آیا قصد فروش آن را نداری؟ من آن را به قیمت خرید، از تو می خرم. گفت: مال تو باشد؛ پس از آن، امام به آنجا رفتند.^۲

از تاریخ اقامت و فعالیت های امام علی علیه السلام در منطقه ینبع اطلاع دقیق در دست نیست؛ ولی می توان از شواهد و قرائن تاریخی چنین نتیجه گرفت که آغاز فعالیت های امام علی علیه السلام هم زمان با آغاز خلافت خلفا بوده؛ چون بیشترین فعالیت اقتصادی آن حضرت در این زمان بوده است. طبیعی است که این فعالیت تا زمان آغاز حکومت ایشان ادامه داشته باشد.

روشن است، این اموال که در دست پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام قرار داشت، یک نوع توسعه اقتصادی بود؛ اما بعد از آنکه وقف کردند، این توسعه برای خانواده های فقیر جامعه اسلامی به وجود آمد. موقوفات پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام، با اینکه یک نوع حمایت اقتصادی از مسلمانان و فقرا بود، یک درس بسیار مهم و الگوگیری خوبی نیز برای مسلمانان بود که با تاسی به سیره اهل بیت علیهم السلام آنها نیز از اهمیت و کارکرد موقوفات غافل نمانند. به همین دلیل بود که اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله، هر کدام در حد توان خویش اموالی در امور مختلف، از جمله برای فقرا، وقف کردند.

با بررسی تاریخ اسلام درباره وقف به دست می آید که در سیره اهل بیت علیهم السلام، به ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام، نخستین گروهی که ایشان مدنظر داشتند و آنها را در درآمدهای موقوفات سهیم می دانستند، خویشاوندان نیازمند و سپس فقرا بودند. در وقف نامه امام علی علیه السلام درباره «ینبع» بیان شده است که حضرت فرمود: تمام اموال در ینبع وقف است؛ بجز رباح، ابونیزر و جبیر که آزادند و کسی حق تصرف در آنها را ندارد و آنان موالی هستند که پنج سال کار می کنند و خرج خود و خانواده شان از همان محل است.^۳ از دقت در همین فراز بیان امام علی علیه السلام به دست می آید که حمایت از نیازمندان تا چه اندازه مورد توجه اهل بیت علیهم السلام، به ویژه امام علی علیه السلام، بوده است. روشن است که افراد نام برده، در اوج فقر و تنگدستی قرار داشته اند؛ چون

۱. محمد بن علی بن شهر آشوب، المناقب، ج ۳، ص ۱۲۳.

۲. ابوزید ابن شیه نمیری، تاریخ المدینة المنورة، ج ۱، ص ۲۱۹.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۱۷۹.

همه آنها برده بودند و از طرفی خانواده نیز داشتند. در چنین شرایطی، امام علی ﷺ آنها را رها نمی‌کند؛ بلکه زمینه کار و امرار معاش آنان را فراهم می‌سازد؛ به این صورت که مدت پنج سال در مزرعه وقفی امام کار کنند و امرار معاش نمایند تا بعد از پنج سال، روی پای خود بایستند. این رویکرد، در وقف‌نامه‌های دیگر امام علی ﷺ، از جمله وقف‌نامه البغیغه، نیز به صراحت بیان شده است.

۲-۳. تلاش برای فقرزدایی از جامعه

از جمله کارکردهای وقف، کاستن بار سنگین فقر و تنگدستی از دوش فقرا و زمینه‌ساز عدالت اجتماعی است؛ زیرا وقف، در حقیقت یکی از راه‌های توزیع مجدد درآمد است و می‌تواند سرمایه‌های جامعه را در اختیار همگان قرار دهد که در نتیجه در کاهش فقرزدایی تأثیرگذار است. اسلام تا آنجا ثروتمندان را به این امر مهم تشویق کرده است که حتی وقف از ناحیه کافر را نیز صحیح می‌داند و وقف برای غیرمسلمانان را نیز جایز و محترم شمرده است.^۱

به دلیل پیامدهای جبران‌ناپذیر فقر است که همه اهل بیت ﷺ، به‌ویژه رسول خدا ﷺ و امام علی ﷺ، با این معضل اجتماعی به گونه‌های مختلف، از جمله از طریق وقف، به مبارزه پرداخته‌اند؛ تاجایی که برخی از موقوفات آن بزرگواران در برخی مناطق، باعث آبادانی و سرسبزی آن مناطق شد. تفاوتی که بین موقوفات پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ وجود دارد، این است که دستگاه حکومت در حد توان، موقوفات رسول خدا ﷺ را طبق گزارش منقول از/بویکر، مصادره کردند؛ ولی موقوفات امام علی ﷺ تا مدت زمان قابل توجهی پابرجا بود و این آثار، زمینه کاهش فقر را از طریق وقف آب‌ها و چاه‌ها و مزارع و باغ‌ها فراهم کرد. چاه‌های امام علی ﷺ در ینبع و البغیغه منشأ برکات فراوان شد. امام علی ﷺ در ینبع به‌شکل بسیار طاقت‌فرسا کار می‌کرد و از این طریق سرمایه به‌دست آورد و با این کار، هزار بنده را آزاد کرد.^۲ از دیگر موقوفات امام علی ﷺ که تأثیر فراوانی در زندگی مردم داشت، موقوفه آن حضرت به‌نام «سویقه» است. قبل از تخریب این منطقه به‌دستور متوکل، یک روستا و دهکده‌ای در آنجا بود که اهالی آن از طریق این موقوفات تغذیه می‌کردند و امورات زندگی‌شان را می‌گذرانیدند.^۳ در این صورت، معلوم می‌شود که نقش این موقوفه در راستای کاهش فقر، مهم و برجسته بوده است. پس در یک تحلیل اجمالی، این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت که چنین موقوفاتی تأثیرات فراوان و مهمی در زندگی مردم در آن زمان داشته است. هنگامی که یک وقف می‌تواند زمینه‌ساز احداث یک روستا شود، طبیعی است که باید سرزمینی حاصل‌خیز با درآمد بسیار زیادی باشد که بتواند پاسخگوی نیازهای اقتصادی آن مردم باشد. طبق گزارش‌های تاریخی، موقوفه مذکوره دارای چنین ویژگی‌ای بوده است.

۱. عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، نظام اقتصاد اسلامی، ص ۱۲۴.

۲. محمدبن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲.

۳. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۸۶.

نمونه‌ای دیگر از موقوفات امام علی علیه السلام که نقش اساسی در معیشت مردم داشت، چاه‌های آن حضرت است. اهمیت آب در سرزمین گرم و سوزان حجاز بر کسی پوشیده نیست. در صدر اسلام تنها راه رفع این مشکل، ایجاد چاه‌ها و حفر قنات بود که این هم از عهده هر کسی بر نمی‌آمد. چاه‌ها به اندازه‌ای برای مردم حجاز اهمیت داشتند که بسیاری از مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آنان به گونه‌ای با آن گره خورده بود. برای نمونه، بزرگان حجاز بسیاری از چاه‌ها را به اسامی قبیله‌ها، مکان‌ها و اشخاص نام‌گذاری می‌کردند. در آن روزگار، برای حفر چاه‌ها مشکلات و موانع فراوانی وجود داشت؛ مانند فقدان ابزار مناسب برای حفر چاه؛ آشنا نبودن با شیوه‌های کندن چاه؛ و فقدان قانونی که بتوان مسائل حقوقی چاه‌ها را مشخص کرد. به همین دلیل، گاهی جنگ‌های خونین و قبیله‌ای بر سر تصاحب چاه‌ها به راه می‌افتاد. مهم‌تر از همه اینکه در میان توده مردم، تفکر خدمت‌رسانی و تعاون بر چنین کارهای خیری بسیار کم‌رنگ بود و اگر کسانی می‌توانستند چاه حفر کنند، فقط به فکر خود و قبیله خویش بودند؛ به همین دلیل، بیشتر چاه‌ها منتسب به اقوام بود.

پس از ظهور اسلام، مشکلات اجتماعی مردم به میزان گسترده‌ای حل شد؛ اما مهم‌ترین مشکل، یعنی کمبود چاه‌های آب، همچنان برای جامعه اسلامی باقی ماند؛ زیرا با ابزار چاه‌کشی بسیار ساده، حفر چاه - به گونه‌ای که به آب برسد و نیاز مردم را برآورده سازد - در زمره کارهای دشوار به‌شمار می‌رفت. برای حل این مشکل، به مردانی پولادین نیاز بود که پا در صحنه بگذارند و با عزمی راسخ و همتی والا، زمین‌های خشک را تا اعماق حفر کنند و با بیرون آوردن آب، به زمین‌ها خرمی و سرسبزی ببخشند و کام تشنه آدمیان، حیوانات و گیاهان را سیراب سازند. امیرمؤمنان علی علیه السلام از جمله این مردان بزرگ بود که پیوسته به دنبال خدمت به خلق و رفع نیازهای آنان بودند. آن حضرت با درک این مشکلات و موانع، برای جلوگیری و تکرار نشدن آنها، بلافاصله پس از حفر چاه، آن را وقف می‌کرد و وقف‌نامه‌ای را تنظیم می‌نمود که هدف از وقف، افراد موقوف‌علیهم و متولیان آن را مشخص می‌کرد. نمونه بارز آن، *البعیعات و عین‌ابی‌نیزر* است.^۱ به همین ترتیب، آن حضرت چاه‌های فراوانی را احداث کرد و در راه خدا وقف نمود که تأثیرات فراوانی در زندگی و معیشت مردم، به‌ویژه حجاج بیت‌الله‌الحرام داشت.

۳-۳. پیشگیری از انباشت ثروت

یکی از آسیب‌های جدی اجتماعی، تجمع ثروت و اموال توسط یک فرد یا یک گروه و طیف خاص است که اسلام با آن مخالفت کرده. در سیره اهل بیت علیهم السلام نیز این مسئله به شدت سرزنش شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «من

برای شما مسلمانان از فقر نگران نیستم؛ بلکه از تکاثر و افزون خواهی (احتکار و سرمایه‌داری) نگرانم.^۱ این حدیث به همان مضمون آیه شریفه «الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ»^۲ اشاره دارد که در قرآن کریم آمده است. شاید بتوان از مفهوم حدیث فوق این‌گونه برداشت کرد که اگر تکاثر در جامعه نباشد، فقر نیز نخواهد بود. البته تجربه زندگی بشر نیز گواه این واقعیت است؛ چه در سطح کوچک و اقتصاد فردی و چه در سطح بزرگ‌تر و اقتصاد اجتماعی؛ زیرا همواره سرمایه‌داری جهانی موجب فقر ملت‌های محروم است و سرمایه‌داری‌های داخلی موجب فقر فقیران و نیازمندان هر جامعه و آبادی بوده است. اگرچه فقر و تنگدستی نیز پیامدهای منفی زیادی دارد، ولی از این حدیث استفاده می‌شود که پیامد منفی تجمع ثروت و احتکار به مراتب بدتر از فقر و تنگدستی است. روایاتی فراوان از اهل بیتؑ دربارهٔ احتکار و پیامدهای منفی آن وجود دارد. برای نمونه، رسول خداﷺ در ذیل تفسیر سوره «تکاثر»، به صورت عتاب‌آمیز به مسلمانان می‌فرماید: «آدمی زاد می‌گوید: مال من، مال من. ای پسر آدم! آیا تو را از اموالت چیزی جز همان مقداری است که می‌خوری و از میان می‌بری یا می‌پوشی و کهنه می‌کنی یا صدقه می‌دهی و روانه می‌کنی؟ بقیهٔ اموالت از آن وارثان است».^۳

در حدیث دیگر، امام علیؑ در نامه‌ای به استاندار اهواز، که از طرف آن حضرت منسوب بود، می‌نویسد: «از احتکار جلوگیری کن و هر کس احتکار کرد، کیفری دردناکش ده و سپس با بیرون آوردن اجناس احتکارشده، محتکر را به عقوبت برسان».^۴

وقف، به‌عنوان یک نهاد فقهی و حقوقی و یکی از دستورات مؤکد اسلام، به سهم خود می‌تواند در مقابله با آثار نامطلوب تجمع و تمرکز ثروت و استقرار عدالت اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد و در این زمینه خدمات ارزنده‌ای را به جامعه عرضه کند؛ چون بهترین مورد مصرف مال، همان وقف و صدقه است. برخلاف اموالی که برای خوردن و پوشیدن استفاده می‌شود و یک اثر و کارکرد زودگذر دارد، صدقه به‌معنای عام (که وقف یکی از مصادیق آن است)، این ویژگی را دارد که مال انسان نابود نمی‌شود؛ بلکه در سرای دیگر برای او ذخیره می‌شود. به عبارت دیگر، یکی از مهم‌ترین تأثیرات وقف، محدود کردن تکاثر است که به‌صورت خودکار در پدیدهٔ وقف به‌وجود می‌آید. اگرچه صدقه و وقف از امورات اخلاقی به حساب می‌آیند، ولی در عمل تأثیر بسزای در تأمین عدالت اجتماعی و جلوگیری از شکاف‌های طبقاتی اقتصادی دارند و به‌طور قطع، علت عنایت اهل بیتؑ به موقوفات، چنین مسائلی بوده است؛ چون اگر در جامعه‌ای تجمع ثروت و احتکار نباشد، طبیعی است که هم اقتصاد شکوفا می‌شود و هم به‌دلیل در گردش بودن سرمایه، قشر آسیب‌پذیر جامعه (فقرا) کمتر آسیب می‌بینند.

۱. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۶۹۴

۲. تکاثر: ۱.

۳. محمدبن حسن طوسی، المسبوط فی فقه الامامیه، ص ۵۱۹.

۴. نعمان‌بن محمد این‌چون مغربی، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۲.

نمونه‌ای از موقوفات امام علی علیه السلام که نقش مهم در جلوگیری از انباشت ثروت داشته، ایجاد نخلستان‌ها بوده است. در خبری آمده است که مردی در نزد امام علی علیه السلام کیسه‌ای از هسته‌های خرما دید و پرسید: یا علی! این همه هسته خرما را به چه منظور جمع کرده‌اید؟ فرمود: همه اینها ان شاء الله درخت خرما خواهد شد. راوی گوید که امام آن هسته‌ها را کاشت و نخلستانی ایجاد کرد و سپس آن را وقف بر فقرا و فی سبیل الله فرمود.^۱ اگر امام علی علیه السلام این باغ‌ها را برای خودش ذخیره کند، طبیعی است که از نظر مالی بسیار رشد می‌کند؛ ولی حضرت برای حمایت از فقرا و جلوگیری از انباشت ثروت و پرهیز از احتکار، همه را وقف می‌کند و از این وقف، مسلمانان تا مدت‌های طولانی بهره‌مند می‌شوند. براساس تجربه نیز ثابت شده که تمرکز ثروت، جز در سایه تضييع حقوق دیگران محقق نمی‌شود؛ از همین روست که اهل بیت علیهم السلام با آن برخورد کرده‌اند.

۴. تحقق عدالت اقتصادی

یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست‌های مالی و اقتصادی در اسلام، تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی است؛ به عبارت دیگر، اسلام همواره به دنبال زدودن همه جوانب فقر از جامعه است؛ چنان که خواهان رفاه عمومی در حد معقول است؛ چراکه اگر در جامعه عدالت اقتصادی رعایت نشود، تعالی مادی و معنوی پدید نمی‌آید. در بیش از اسلامی، فقرا سهمی در اموال ثروتمندان دارند؛ چنان که در برخی آیات قرآن این مطلب به صراحت بیان شده است.^۲ در گزارشی، محمد حنفیه (م. ۸۱ق) فرزند امیرمؤمنان علیه السلام روایت کرده است: از پدرم شنیدم که می‌فرمود: «شنیدم رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: خدای عزوجل برای فقرا در اموال اغنیا به قدری که وسعت دارند، سهمی قرار داده است؛ پس اگر مانع شدند تا آنها گرسنه یا برهنه ماندند یا دچار سختی شدند، خداوند در حساب آنها سخت گیرد و به عذابی شدید آنها را گرفتار کند».^۳ در صدر اسلام، که اساسی‌ترین درآمد مالی مسلمانان بیت‌المال بود، در زمانی که بیت‌المال تحت سیطره اهل بیت علیهم السلام بود، در نهایت عدالت با آن برخورد می‌شد.

عدالت اقتصادی به‌طور نظام‌مند در وقف نهفته است و باعث تحدید تکاثر و توزیع عادلانه درآمد‌ها در میان اقشار مختلف جامعه می‌شود. وقف با توزیع مجدد درآمد بین افراد، جامعه را به سمت توازن اجتماعی و عدالت اقتصادی هدایت می‌کند. در وقف، بیشتر افراد محتاج و فقیر منتفع می‌شوند؛ در نتیجه، وقف تأثیر بسزایی در تأمین عدالت اجتماعی دارد و همچنین از عوارض سوء بی‌عدالتی‌های اجتماعی و شکاف‌های طبقاتی تا حد زیادی می‌کاهد و از حاد شدن مشکلات اجتماعی جلوگیری می‌کند. در وقف، عامل بیرونی

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۷۵.

۲. ذاریات: ۱۹.

۳. ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۱۷۸.

وجود ندارد؛ بلکه صرف میل باطنی و حس خداپرستی است که واقف را وادار می‌کند تا از اموال خود بگذرد و آن را برای رضایت خدا یا آرامش درونی خودش وقف می‌کند؛ چنان که این گزاره در موقوفات اهل بیتؑ، به‌ویژه امام علیؑ، بیان شده است: «ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ لِيُولِّجَنِي بِهِ الْجَنَّةَ وَيَصْرِفَنِي بِهِ عَنِ النَّارِ وَيَصْرِفَ النَّارَ عَنِّي يَوْمَ تَبْيَضُ وُجُوهُ وَّ تَسْوَدُ وُجُوهُ»^۱ تحقق عدالت اقتصادی در زندگی امیرمؤمنانؑ به‌اندازه‌ای مهم است که در وقف‌نامه معروف خود درج می‌کند که اگر فرزندم حسن در صورت نیاز مجبور شد خانه وقفی خود را بفروشد، باز هم باید به چند قسمت تقسیم کند تا توازن اقتصادی به هم نخورد:

و اگر خانه حسن بن علی جز خانه صدقه باشد و خواست که آن را بفروشد، می‌تواند بفروشد؛ بر او باکی نیست. اگر بخواهد، می‌تواند بفروشد و قیمتش را به سه بخش تقسیم کند: قسمتی را در راه خدا مصرف نماید و قسمتی را به بنی‌هاشم و بنی‌مطلب و قسمتی را به فرزندان ابوطالب بدهد؛ در مواردی که خدا می‌پسندد، از این سه قسم به مصرف رساند.^۲

۵. ایجاد اشتغال

یکی دیگر از آثار اقتصادی موقوفات، اشتغال‌زایی است. در صدر اسلام با ایجاد موقوفات در عرصه‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه زراعت و کشاورزی، عده فراوانی به کار گرفته می‌شدند که از این طریق امرار معاش می‌کردند. همان‌گونه که اشاره شد، اولین موقوفات «مساجد» بودند. هر مسجدی نیز به خادم و متولی نیاز دارد. شاید در برخی مساجد و در برخی از زمان‌ها این کار به‌گونه افتخاری بوده؛ اما به‌مرور زمان کم نبوده است مساجد و حسینیه‌ها و مزارات و کاروان‌سراهایی وقفی که کمک‌های مالی و معاش ماهانه برای خادم یا گاهی خادمانش پرداخت می‌کرده‌اند. همین کارکرد را موقوفات دیگر نیز داشته‌اند. برای مثال، امام علیؑ تمام اموالی را که در وادی القری داشت، وقف کرد و فرمود: تمام مزارع و برده‌هایی که در آنجا دارم، وقف است؛ در این املاک کار کنند و مخارج خود و عائله‌شان را از همان املاک اداره نمایند. دلیل این کار این است که آن بردگان چیزی از خود نداشتند؛ باید در مدت پنج سال کار و تلاش بتوانند روی پای خود بایستند. افزون بر اینها، آن حضرت برخی از زمین‌های خود را برای زمان پس از مرگ خویش وقف کرد و گروهی از غلامان خویش را آزاد ساخت و شرط کرد که آنان در زمین‌های وقفی به مدت پنج سال کار کنند. این نمونه‌ها حاکی از آن است که موقوفات در زمینه ایجاد اشتغال تأثیر مهم و بزرگی داشته و دارند و ظرفیت اقتصادی وقف می‌تواند بستر مناسبی برای ایجاد اشتغال و شکوفایی اقتصادی جامعه باشد.

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۴۹.

۲. همان.

نتیجه گیری

وقف به معنای ایستایی اصل مال و رها کردن منفعت است و در ادیان الهی و در دین اسلام اهمیت زیادی به آن داده شده است. با مروری بر سیره و سخنان پیامبر اکرم ﷺ و امام علی ﷺ می توان به اهمیت این مسئله در زندگی آنان پی برد. پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ در ضمن اینکه در قالب سخنان گهربار بر این سنت حسنه الهی تأکید کرده اند، در سیره عملی خویش نیز در این راستا پیشگام شده اند و موقوفات زیادی از آنها در جاهای مختلفی، از جمله در حجاز، برجای مانده است. وقف ضمن آنکه دارای آثار معنوی است، آثار و کارکردهای دنیوی قابل توجهی نیز دارد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که موقوفات پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ در صدر اسلام در منطقه حجاز، آثار و برکات اقتصادی و اجتماعی فراوان داشته است. موقوفات آن اولیای الهی در حمایت از مستمندان (اعم از خویشاوندان و مسلمانان نیازمند)، تلاش برای فقرزدایی، پیشگیری از ثروت اندوزی، تحقق عدالت اقتصادی و اشتغال زایی نقش مهمی داشته است و توجه به آن در راستای تأسی به سیره اهل بیت ﷺ و ترغیب مسلمانان به این سنت حسنه، در زمینه حمایت از ایتام و مساکین، دستگیری از زوج های جوان و نیازمند و فراهم سازی زمینه ازدواج ایشان، تأسیس مراکز علمی و معنوی، جلوگیری از تکاثر و جمع شدن اموال نزد عده ای خاص، و پویایی جامعه اسلامی نقش مهمی خواهد داشت.

منابع

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، *شرح نهج البلاغه*، تصحیح ابراهیم محمد ابوالفضل، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن زین الدین، *عوالی اللالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، قم، سیدالشهداء، ۱۴۰۵ق.
- ابن اثیر، علی بن ابی الکریم، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق.
- _____، *اسد الغابه*، بیروت، دارالکتب العربیه، بی تا.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *الاصابة فی تمییز الصحابة*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد، *دعائم الاسلام*، تصحیح فیضی آصف، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۳۸۵ق.
- ابن سعد، محمد، *الطبقات الکبری*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه، ۱۴۱۸ق.
- ابن شبه، ابوزید، *تاریخ المدینه المنوره*، قم، دارالفکر، ۱۳۸۶.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، *المناقب*، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹.
- ابن فارس، احمد بن، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمدهارون، بیروت، دار الفکر، ۱۳۹۹ق.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، *البدایه و النهایه*، بیروت، دارالفکر، ۴۰۷ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- ابن هشام، عبدالملک، *السیره النبویه*، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الایاری و عبدالحفیظ شلیبی، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- اصفهانی، ابونعیم، *حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء*، قاهره، دارالفکر، بی تا.
- الویری، محسن و سیدمحمد مهدی موسوی نیا، «سبک زندگی ائمهؑ در امور معیشتی و بازتاب آن در زندگی اجتماعی شیعیان»، ۱۳۹۳، *تاریخ اسلام*، ش ۵، ص ۹۵-۱۲۴.
- بی آزار شیرازی، عبدالکریم، *نظام اقتصاد اسلامی*، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
- پابنده، ابوالقاسم، *نهج النفاحه*، چ چهارم، تهران، ذبیان دانش، ۱۳۸۲.
- جباری، محمدرضا، «سیره اقتصادی و معیشتی پیامبر اعظمؐ»، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶، *نامه تاریخ پژوهان*، ش ۹، ص ۲۷-۴۹.
- جعفری، یعقوب، «صنعت و کشاورزی در طول تاریخ اسلام»، ۱۳۶۳، *درسهای از مکتب اسلام*، سال بیست و چهارم، ش ۹، ص ۲۶-۳۱.
- حاجی آبادی، نوروز علی، *اوقاف امیرالمؤمنینؑ* رساله دکتری، مشهد مقدس، حوزه علمیه خراسان، ۱۳۸۱.
- حائری یزدی، محمدحسن، *وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۰.
- حجیلی، عبدالله، *الاوقاف النبویه و اوقاف خلفاء الراشدین*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۳۰ق.
- حراملی، محمد بن حسن، *وسایل الشیعه*، تصحیح مؤسسه آل البیت، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق.
- حسینی عاملی، سیدمحمدجواد، *مفتاح الکرامه*، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۷ق.
- حسینی، سیدعلی، «تحلیلی بر احکام حکومتی رسول خداﷺ در حوزه اقتصاد کشاورزی»، ۱۳۹۳، *معرفت اقتصاد اسلامی*، ش ۱۱، ص ۱۱۹-۱۴۲.
- حقانی، حسین، «خمس در اراضی مفتوح عنوه»، ۱۳۶۹، *درسهای از مکتب اسلام*، سال سی ام، ش ۲، ص ۲۹-۳۵.
- حلی، ابوالفرج شافعی، *السیره الحلبیه*، چ دوم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق.
- سلیمانی امیری، جواد، «بازشناسی تاریخ آغاز پرداخت و دریافت خمس؛ بررسی انتقادی دیدگاه بازتاب یافته در کتاب مکتب در فرایند تکامل»، ۱۳۹۸، *تاریخ اسلام*، ش ۷۸، ص ۵۸-۳۱.
- سلیمی فر، مصطفی، *نگاهی به وقف و آثار اقتصادی - اجتماعی آن*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.

- سمهودی، علی بن احمد، *وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۶م.
- صدوق، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا*، تهران، جوان، ۱۳۷۸.
- ، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، چ دوم، قم، اسلامیه، ۱۴۱۳ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الامامیه*، چ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷ق.
- علی دوست، نورالله، *منابع مالی اهل بیت*، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۱.
- فراء، محمد بن حسین، *الاحکام السلطانیه*، به کوشش محمدحامد ثقفی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۶ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، چ دوم، قم، هجرت، ۱۴۰۷ق.
- کیسی، محمد بن عبید، *احکام الوقف فی الشریعه الاسلامیه*، بغداد، مطبعه الارشاد، ۱۳۹۷ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، اسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، چ دوم، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۳.
- مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، تصحیح محمدفؤاد عبدالباقی، مصر، دارالحدیث، ۱۴۱۲ق.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *المقنعه*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- مکی عاملی، محمد بن جمال الدین (شهید اول)، *الدروس الشریعه فی فقه الامامیه*، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
- منتظرالقائم، اصغر، «بررسی و توضیح جایگاه موقوفات امام علی»، ۱۳۹۳، *تسبیح شناسی*، سال دوازدهم، ش ۴۸، ص ۲۴۸-۲۲۷.
- موسوی، زمان حیدر، *بررسی تاریخی موقوفات و صدقات امام علی*، در *حجاز از آغاز تا پایان دوران غیبت صغرا*، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، ۱۳۹۴.
- نجفی، حافظ، «وقف در سیره معصومان»، *وقف میراث جاودان*، ۱۳۸۳، ش ۴۸ و ۴۷، ص ۵۲-۵۹.
- نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام*، تصحیح عباس قوچانی و علی آخوندی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
- نسائی، احمد بن علی، *جوامع حدیثی اهل سنت*، تحقیق عبدالغفار بنداری، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
- نوری، حسین بن محمدتقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۸ق.
- واقفی، محمد بن عمر، *المغازی*، چ سوم، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق.
- یاقوت حموی بغدادی، *معجم البلدان*، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت، دار صادر، بی تا.